

خاطراتی از شهید جهانگیر جوانمردی از شهدای بومی کردستان در گفت‌و گوی «جوان» با خانواده و هم‌زمش

فرمانده به او گفت الحق رزمندگی شایسته توست



■ **غلامحسین بهمودی** شهید جهانگیر جوانمردی متولد سال ۱۳۲۷ در روستای پایگان از توابع سروآباد کردستان بود. نکته بارز در خصوص منطقه سرو آباد این است که آنجا در دوران دفاع مقدس آلوده به وجود ضد انقلاب بود و بارها در گردنه سروآباد کمین‌های سختی علیه رزمندگان کشورمان به اجرا در آمد. جهانگیر در چنین منطقه‌ای به صف انقلاب پیوست و با گروهک‌های معاند وارد نبرد شد. او در مسیر جهاد به فرماندهی گردان نیز رسید و عاقبت در مردادماه ۱۳۶۸ در درگیری با ضدانقلاب به شهادت رسید. منن زیر چند خاطره کوتاه از این شهید بزرگوار است که در گفت‌وگو با خانواده و هم‌زمانش تقدیم حضور تان می‌کنیم. در انجام این گفت‌وگوها آقای رضا رستنی از فعالان فرهنگی کردستان کمک حاملان شد.

فرخنده احمدپور همسر شهید

■ **انقلابی راستین**

من و جهانگیر سال ۵۵ازدواج کردیم. یک زندگی ساده و روستایی داشتیم. زمان شاه منطقه ما بسیار محروم بود و من و همسرمن مثل اغلب مردم روستاهای سروآباد با مشکلات زیادی روبه‌رو بودیم. همین دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زندگی در شرایط سخت باعث شده بود جهانگیر یک مرد خودساخته و با اراده باشد. پشتکار و اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ای داشت. چون توکل و اعتمادش به خدا بود، هر کاری را یاد و نام‌او آغاز می کرد، به موفقیت در انجام آن کار اطمینان کامل داشت. در زندگی با جهانگیر چیزهای زیادی آموختم. یادم است که می‌گفت من وسیله‌ای بیش نیستم. اراده اصلی به خدا تعلق دارد، وقتی قرار باشد کاری به ما بماند انجام شود و مسیّب آن کار من باشم، آن کار به سرانجام خواهد رسید. من هم تکلیفم را ادا کرده‌ام. خدا به ما پنج فرزند داد که سعی می‌کردیم آنها را بسازر حلال و موازین اسلامی پرورش دهیم. همسرمن از دوران انقلاب مبارزانش را شروع کرد و پس از پیروزی انقلاب با برادران سپاهی هم‌کاری می‌کرد. جزو پیشمرگان کرد مسلمان شد و علیه ضد انقلاب به مبارزه پرداخت. آنگاه کتف‌ش را در همین مسیر گذاشت و شهید شد.

■ **رضا جوانمردی برادرزاده شهید**

■ **مهمانی بعد از عملیات**

در منطقه ما ضد انقلاب قدرت زیادی داشتند،

۱ یادکرد

■ **علیرضا محمدی**

شهید حسن بهمنی فرمانده عملیات تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) بود که همراه شهید حاج کاظم رستگار اعتراض‌هایی را نسبت به شیوه فرماندهی وقت سپاه ايراد کردند و نهایتاً هر دوی آنها به همراه شهید ناصر شیرینی از سمت‌هایشان کناره گرفتند و در عملیات بدر به عنوان یک نیروی عادی بسیجی به شهادت رسیدند.

■ **متولد تهران**

حسن بهمنی سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. در جوانی به نهضت اسلامی حضرت امام پیوست و پس از پیروزی انقلاب، جزو اولین نفراط عضو سپاه شد و قدم در مسیر مبارزه گذاشت. حسن استعداد نظامی خاصی داشت. چنانچه بسیاری از تحلیلگران، وی را «استراتژیست گمنام جنگ» لقب داده‌اند.

جدول

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

از راست به چپ

۱– سومین صنعت درآمد زا در جهان – رنگ قرمز قوی ■ ۲– باران تند و شدید – زندگانی – اکسیر■ ۳– عنوانی برای احزاب و گروه‌های غیر قانونی – اثر تربیتی امیل زولا– نامعلوم ■ ۴– اسب زین‌کرده بدون سوار– کشوری قدیمی در بین‌النهرین – کئی از ارکان نماز– از شبکه‌های رادیویی■ ۵– راه میان‌بر– مرکز بلوچستان پاکستان– بازسازی ۶– همراه سارا– مواقت با طرح و پیشنهاد– بنده و شما ■ ۷– پهلوان اسطوره‌ای آذری‌ها– مکان سرپوشیده ورزشی– خانه کوچک■ ۸– پیغمبر– داخل کتاب – امضای دهخدا– طولانی‌ترین رشته کوه دنیا■ ۹– بخشی از استان کرمان را شامل می‌شود– نخستین اخترشناس یونان – قول و سخن ■ ۱۰– حرص و طمع – گردآوری و تنظیم– حرکت، جنبش■ ۱۱– جسمی که به سرعت یخار شود– یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است– راز مگوی خانم‌ها ■ ۱۲– سپاس– شبپور ماثین– شش– از امراض جلدی■ ۱۳– واحد سنجش طلا– محله‌ای در شمال تهران– صحراي آزمایش‌های اتمی امریک■ ۱۴– نویسنده ایرلندی نمایشنامه آناکرستی– صدای قلم –مهم‌ترین نمایشنامه‌های اتمی امریک■ ۱۵– مهم‌ترین تکرانی و دغدغه جوانان و به‌خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی– باقی‌مانده دانه‌های روغنی

از بالا به پایین

۱– تحت تأثیر دیگران قرار گرفتن –شعبه‌شعبه‌شدن ■ ۲– کنج‌دار آردشده – کارکشته و مجرب– میوه مکتبی ■ ۳– آخرین غزوه پیامبر – جولانگاه کشتی‌ها– مادر فریدون و همسر آبتین■ ۴– میان‌برنامه –میوه نارس –نماز یک رکعتی – دورویی■ ۵– پوشش لباس در جالباسی– باتلاق– طایفه کم‌حرف■ ۶– دریا– زرنگی و زیرکی– مقابل خروج ۷– نیکبختی– ضد انگلیسی– واحدی برای نان■ ۸– مادر وطن– اقامتگاه گردشگر – خو و الفت– استخوان ران ۹– یک حرف و سه حرف– از پاپوش‌ها– شهری در کرمانشا■ ۱۰– میوه ترش و شیرین – عامل مهم در تصادفات رانندگی– ردیف بافتنی■ ۱۱– صدمه و آسیب– پارچه کشیاف– روحانی مصری ■ ۱۲– ولی– صندلی راحتی– علف خشک– پارچه راه‌راه■ ۱۳– حیوانی نقب‌زین– بادکنک آدم‌بر– راه‌برون شهری ■ ۱۴– پرنده‌ای حلال گوشت– گوزار– محل جلوس مرشد در زورخانه■ ۱۵– کارگردان معروف ژاپنی– پرنده کوچک خاستری رنگ‌با دم بلند



ارتباط با ما۰۸۸۴۹۸۴۸۱



روزنامه جوان | شماره ۶۱۷۰

نگاه



گذری بر دوران رزمندگی و فرماندهی شهید حاج کاظم نجفی

رستگار در دفاع مقدس

خودش را تا پایان عمر بدهکار اسلام و انقلاب می‌دانست

■ **احمد محمد تبریزی**

شهید حاج کاظم نجفی رستگار یکی

از ستاره‌های پر فروغ و کم‌نظیر تاریخ ایران است. او مصداق بارزی از یک مبارز و مجاهد فی سبیل‌الله در عصر خود بود. شهید رستگار با صداقت و وجدانی بیدار مسائل را بیان می‌کرد و در عین حال اجازه سوءاستفاده و کسج‌روی به نااهلان نمی‌داد. به مناسبت ۱۲۵ اسفند سالروز شهادتش، گذری کوتاه به حضور او در جنبه‌های دفاع مقدس می‌اندازیم.

■ **ولایت‌مداری واقعی**

شهید رستگار بدون هیچ چشمداشتی در جبهه‌ها حاضر می‌شد، او آمده بود تا تمام وجودش را وقف انقلاب و اسلام کند. این رزمنده شجاع یک ولایت‌مدار واقعی بود و حرف امام خمینی (ره) برایش حجت کامل به شمار می‌رفت. کلام امام کافی بود تا حاج کاظم مسیرش را تشخیص دهد و بهترین تصمیم‌ها را بگیرد.

شهید رستگار با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز غائله کردستان و تحرکات نیروهای ضد انقلاب، همراه نیروهای «شهید دکتر مصلحی چمران» راهی کردستان شد و آموزش‌های چریکی را آنجا فرا گرفت. او پس از بازگشت از کردستان و آموختن فنون نظامی و جنگ شهری از سوی شهید چمران نوشته‌آدره عملیات‌ها در میان یگان‌های سپاه تهران و ستاد کل سپاه ایجاد شد، کاظم رستگار از جمله فرماندهانی بود که برای ایجاد سهولت در فرماندهی جنگ و یکدستیی در اداره عملیات‌ها، داوطلبانه از تمام مسئولیت‌های خود کناره گرفت و به فاصله کوتاهی، به‌صورت یک پاسدار بسیجی در عملیات بدر شرکت کرد و در خط مقدم نبرد (شرق رودخانه دجله) در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ به شهادت رسید.

■ **مفقودی ۱۳ساله**
پیکر پاک شهید کاظم نجفی رستگار پس از ۱۳سال در منطقه هورالهویزه تفحص و به تهران منتقل شد. مزار این سردار مخلص، در قطعه ۲۴ بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شد. شهید رستگار در وصیتنامه خود چنین نوشته است: «هین راهم را آگاهانه انتخاب کرده‌ام و اگر وقتم را شسانه‌روز در اختیار انقلاب گذاشتم، به این دلیل بوده که خود را بدهکار انقلاب و اسلام می‌دانم و انقلاب قرار بود صحبتی برای نیروهایش نداشته باشد. وقتی از جایگاه اعلام شد: «فرمانده تیپ ۱۰ برای صحبت بایاند»، رستگار بلند شد و به سمت جایگاه حرکت کرد. برادرش از همه جا

پس از مدتی حضور در جبهه‌ها، حاج کاظم به عنوان فرمانده یکی از گردان‌های تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) که فرمانده آن احمد متوسلیان بود، انتخاب شد. بعد از شش ماه فعالیت، مسئولیت واحد عملیات را در یادگان توحید پذیرفت و در این سمت خدمت کرد.

پس‌از‌استغای «حاج‌علی‌رضا‌موجد‌دانش» از فرماندهی تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع)، کاظم رستگار فرماندهی این تیپ را برعهده گرفت.

■ **فرمانده گمنام**

شهید رستگار فرمانده تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) بود ولی خانواده‌اش از این سمت هیچ اطلاعی نداشتند. یک‌روز برادر او به منطقه آمد تا از او خبری بگیرد. حاج کاظم، قرار بود صحبتی برای نیروهایش داشته باشد. وقتی از جایگاه اعلام شد: «فرمانده تیپ ۱۰ برای صحبت بایاند»، رستگار بلند شد و به سمت جایگاه حرکت کرد. برادرش از همه جا



دوست داشتم در رکابش باشم و هرجایی که می‌رود، همراهش بروم. گفتم جهانگیر، دوست دارم همراه شما در این عملیات شرکت کنم. گفت خسته نیستی؟ گفتم چرا ولی وقتی شور و شوق تو را دیدم خستگی ام برطرف شد. گفت باشد، اگر دوست داری بسم الله…

حدود ساعت سه حرکت کردیم، مسیر هوستانی بود. حدود ساعت چهار و نیم عصر به فله جنگا در حد فاصل روستاهای پایگان روستای پایگان در حد فاصل روستاهای پایگان رسیدیم. جهانگیر نیزها را به سه گروه تقسیم کرد. قرار شد دو گروه از آنها همراه او به طرف محل اختفای ضدانقلاب حرکت کنند و گروه سوم به عنوان احتیاط عمل کند. از من خواست نیروهای تحت امرم را به برادر شیرمحمدی بسپارم و همراه نیروهای عمل کننده باشم. بعد از سازماندهی، به سمت پایگاه حاجی سالکی حرکت کردیم، ساعت پنج عصر با عناصر ضدانقلاب درگیر شدیم. جنگ بسیار سختی بود، سنسگر به تن به تن با هم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شدت زخمی شد، همراه یکی از هم‌زمان، او را پشت منطقه درگیری انتقال دادیم. جهانگیر از نظر جسمی درشت هیكل بود، به‌زحمت او را به دوش گرفتیم. پس از طی مسافتی برای استراحت چند لحظه‌ای توقف کردم. دوباره او را بلند کردم و روی دوشم گذاشتم. چند قدمی که آمدم گفت عارف، گفتم بله. گفتم من را زنده جا نگذار. اگر خاطره دیگری من از شهید جهانگیر جوانمردی مربوط به لحظه شهادتش می‌شود. جهانگیر ۲۴ مردادماه ۱۳۶۸ شهید شد. بعدازظهر همان روز ایشان مسئولیت سازماندهی نیروها برای یک عملیات را برعهده گرفت. آن روز با چنان شور و شوقی نیروها را آماده می‌کرد که من هم تصمیم گرفتم همراهشان بروم. آن روز تازه از مأموریت برگشته بودم. اگر چه خسته بودم، اما چون قرار بدربنده‌اش که شهادت در راه خدا بود رسید.

■ **مرا جا نگذار بد**

خاطره دیگری من از شهید جهانگیر جوانمردی مربوط به لحظه شهادتش می‌شود. جهانگیر ۲۴ مردادماه ۱۳۶۸ شهید شد. بعدازظهر همان روز ایشان مسئولیت سازماندهی نیروها برای یک عملیات را برعهده گرفت. آن روز با چنان شور و شوقی نیروها را آماده می‌کرد که من هم تصمیم گرفتم همراهشان بروم. آن روز تازه از مأموریت برگشته بودم. اما چون قرار بدربنده‌اش که شهادت در راه خدا بود رسید.



حاج محمد ابراهیم همت، این‌بار اعتراض‌ها به نحوه‌مدیریت جنگ، با جدیت بیشتری پیگیری شدند. لشکر ۲۷ و تیپ ۱۰ هر دو متعلق به تهران بودند. فرماندهان تیپ ۱۰ بیشتر همگی جزو کادر لشکر ۲۷ بودند بنابراین نحوه شهادت حاج همت و رزمندگان تهرانی آنها را برافروخته کرده بود. این‌بار نیز حاج کاظم رستگار و حسن بهمنی پرچم اعتراض‌ها را بردست گرفتند و جلسات متعددی با فرمانده وقت سپاه برگزار کردند. نتیجه اختلاف‌نظرها با پیام امام مبنی بر تبعیت از فرماندهی و سلسله مراتب، باعث شد تا کاظم رستگار، حسن بهمنی و ناصر شیرینی از سمت‌های خود در تیپ ۱۰ کناره‌گیری کنند

۱	۷			۸
۷		۵		۶
۸			۳	۹
			۷	
			۲	۵
			۲	۶
				۵
				۴
۲	۱		۹	۳

جدول سودوکو

۹رقام۹اتما۹اطوری‌قراردهیدکه

دوهرردیف،ستون‌ومربع‌های

کوچک‌سه‌درسه‌فقط‌یک‌بار

به‌کار‌روند.

جدول کلمات متقاطع

▶ **پاسخ جدول شماره ۶۱۶۹**

۵	۸	ا	ب	د	و	۷	ا	س
و	ا	د	ا	۷	ا	س	ب	ا
ب	۷	ا	س	ا	ا	ا	و	د
ا	و	۷	د	ا	ب	ا	س	ا
د	ا	ب	و	س	ا	ا	۷	ا
ا	س	ا	۷	ا	ا	ا	د	و
۷	ا	و	ا	ا	س	ا	ا	ب
ا	ب	ا	ا	و	۷	د	ا	س
ا	ا	س	ا	ا	ب	د	ا	۷
ا	ا	س	ا	ا	ا	ب	د	و
ا	ا	س	ا	ا	ا	ب	د	و
ا	ا	س	ا	ا	ا	ب	د	و
ا	ا	س	ا	ا	ا	ب	د	و